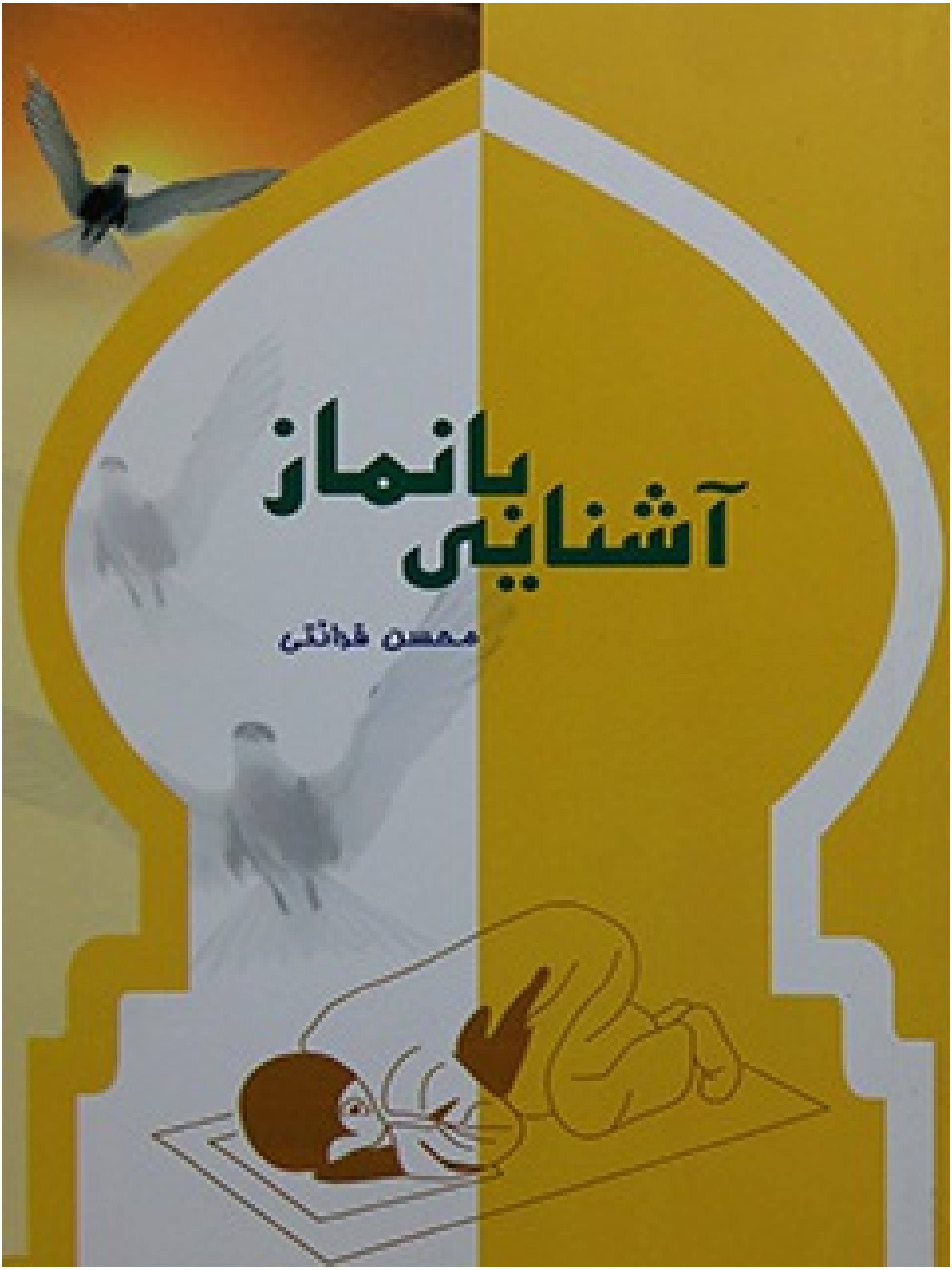

آشنایی با نماز
محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با نماز

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:آشنایی با نماز/ تهیه محسن قرائتی؛ تدوین جواد محدثی.

مشخصات نشر:تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری:۶۸ ص.؛ ۱۱×۱۹ س م.

شابک:۶۰۰ ریال ؛ ۶۰۰ ریال (چاپ دهم)

یادداشت:چاپ دهم: بهار ۱۳۷۵.

موضوع:نماز -- ادبیات کودکان و نوجوانان

شناسه افزوده:محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

شناسه افزوده:ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره:BP۱۸۶/ق۴آ۵ ۱۳۷۵

رده بندی دیویی:[ج] ۲۹۷/۳۵۲

شماره کتابشناسی ملی:م ۸۰-۱۶۵۴۹

ص: ۱

۱- «بندگی»، هدف خلقت

آشنایی با نماز » «بندگی»، هدف خلقت

آیا تاکنون، در مقابل نیکی ها و کمک ها و دوستی های دیگران، تشکر کرده اید؟ البتّه که آری.

چرا؟

چون عقل و وجدان انسان، به سپاسگزاری از نیکان و نیکوکاران و تشکّر از محبّت ها و خوبی های دیگران، فرمان می دهد.

پس نعمت، سپاس را به گردن انسان می گذارد، و درک و شعور و وجدان، عامل اصلی سپاسگزاری انسان است. حتّی اگر دوستی، کمک درسی به ما کند، کتاب و دفترش را به ما امانت دهد، سئوال های درسی ما را جواب داده، راهنمایی کند، در جبرانِ عقب ماندگی ها ما را یاری کند، وسیله درس خواندن ما را فراهم سازد، مشکل ما را برطرف سازد و ... در همه این موارد، خود را به او مدیون و بدهکار می دانیم و سعی می کنیم تا به

نحوی، نیکی های او را جبران و تشکّر کنیم.

بدون شک، بالاترین و بهترین نعمت ها را خداوند در اختیار ما گذاشته است:

به ما عقل و جان و اراده و فکر و استعداد بخشیده،

در راه زندگی، راهنمایانی برای سعادتمندی ما فرستاده،

هستی و حیات ما، در دست اوست.

همه چیز ما از آفریدگار ماست.

او خالق است و ما بنده و مخلوق او.

او بی نیاز و تواناست، ما بنده ای نیازمند و ناتوان و محدود و ناچیز.

اگر هم درسی می خوانیم و دانشی می آموزیم، در سایه لطف و مهربانی اوست که به ما نیروی فراگیری دانش و استعداد فهمیدن داده است.

اگر نفسی می کشیم و به حیات خود ادامه می دهیم، بخاطر امکاناتی است که آن خدای خوب و دوست داشتنی و زیبا و کامل، برای ما فراهم کرده است.

از یک «بنده محتاج» چه انتظاری می رود، جز عبادت و پرستش؟

از یک «مخلوق ناتوان»، چه توقّعی است، جز نیایش و توجّه و خضوع و اظهار بندگی و کوچکی و نیاز، در آستان آن خالق بزرگوار؟

از یک انسان بهره مند از همه گونه نعمت های آشکار و نهان خداوند، چه انتظاری است، جز تشکّر از صاحب نعمت، که خداوند است؟

ما عاقلیم و با وجدان، حقّ شناسیم و سپاسگزار، بنده ایم و نیازمند، و اگر در پیشگاه آفریدگارمان، سر بر خاک می نهیم و «عبادت» می کنیم و «نماز» می خوانیم و «نیاز» می طلبیم و «راز» می گوییم، برای اینست که، «خدایی او» و «بندگی خود» را

آشکار و ابراز کنیم.

اگر عبادت نکنیم، از هدف اصلی خلقت دور شده ایم. چرا که کمالِ آفرینش ما، پرستش خداوند است که می فرماید:

«و ما خلقت الجنّ والانس الّا لیعبدون»(۱)

من جنّ و آدمی را نیافریدم مگر برای آنکه مرا بندگی کنند.

و در آیه دیگری فرموده است:

«و أنِ اعبُدونی، هذا صراط مستقیم»(۲)

۲- چرا و چگونه «نماز» بخوانیم؟

آشنایی با نماز » چرا و چگونه «نماز» بخوانیم؟

خدای بزرگ، نه از نماز خواندن ما سود می برد، و نه بی نمازی ما به او زیان می رساند. اگر بخوانیم، خودمان به پاکی جان و صفای روح و دوری از پلیدی ها می رسیم و اگر بی اعتنا به نماز باشیم، از برکات و آثار معنوی و اجتماعی آن، محروم می شویم و در آخرت هم به خاطر ناسپاسی و دوری از خدا و آلودگی به فساد، کیفر خواهیم دید.

وقتی کمال و سعادت ما در «بندگی خدا» است، این بندگی و عبادت، در شکل «نماز» و انجام این فریضه الهی آشکار می شود. پس نماز، همان عبودیّت و پرستش و راز و نیاز به درگاه آفریدگار، و توجّه به او و نعمت هایش می باشد که روزی چند مرتبه انجام می گیرد.

این عبادت، ما را همواره به یاد خدا می اندازد، و یاد خدا ما را از پستی و ستم و گناه و فساد، باز می دارد.

مرا عبادت کنید، راه راست همین است.

پس اگر بندگی خدا نکنیم و مطیع فرمانش نباشیم و از آئین آسمانی و جاوید او پیروی نکنیم، هم ناسپاسی کرده ایم، هم از رحمت او دور می شویم و هم غفلت خود را از هدف زندگی و شناختن صاحب نعمت، نشان داده ایم.

آنکه خدا را بندگی نکند، به بند شیطان و دام ابلیس ها و طاغوت ها و قدرت های ضدّ خدایی می افتد.

بندگی خدا، انسان را چنان عزیز می کند که از بردگی قدرت های جبّار، رها می سازد.

۱- ۱) سوره ذاریات، آیه ۵۶ .

۲- ۲) سوره یس، آیه ۶۱ .

آنکه بنده خدا باشد، دیگر اسیر شیطان و برده هوا و هوس نمی شود.

آنکه در انجام نماز، فرمان خدا را گردن می نهد و تسلیم می شود، دیگر در برابر طاغوت ها وقدرت های شیطانی، سر تسلیم فرود نمی آورد.

نماز می خوانیم، تا یاد خدا در طول شبانه روز و در همه عمر، در دل ما زنده باشد و توجّه به خدا، ما را به یاد آن اندازد که «بنده»ایم و او صاحب و ربّ و سرپرست ماست، و هیچ بنده ای نباید برخلاف میل و خواسته و فرمان صاحب اختیار خودش رفتار کند.

خداوند می فرماید: «و اقم الصلاه لذکری»(۳)

بخاطر یاد من، نماز بر پا بدار.

در آیه دیگر می خوانیم:

«انّ الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر»(۴)

نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد.

امّا «چگونه» باید نماز خواند؟

گرچه هر کاری که خضوع و توجّه و بندگی ما را نسبت به آفریدگار مهربان برساند، می تواند شکلی از عبادت به حساب آید، امّا چون او پروردگار و مربّی ماست، و ما فرمانبردار و بنده اوییم، پس در این که چگونه و با کدام عمل و کدام کلام، او را بپرستیم و به درگاهش اظهار بندگی کنیم، خود او هر طور که بپسندد و هر فرمانی که بدهد، لازم است اجرا کنیم.

نماز، به صورتی که می خوانیم، خواسته خداوند و فرموده پیامبرش می باشد.

اگر بنده خالص باشیم، باید بی چون و چرا و بدون کم و زیاد، هر چه که در دین و دستورهای فقهی بیان شده، عمل کنیم تا این عبادت، ما را به خدا برساند.

طبق آنچه خدا وپیامبر و امامان فرموده اند، عبادت ونماز باید:

۱- آگاهانه باشد

عبادت های کورکورانه و بدوت توجّه و تعقّل، ارزش و ثواب هم ندارد. یعنی انسان باید در نماز، به معنای جملات و ذکرها و دعاها توجّه داشته باشد و بداند در مقابل چه کسی ایستاده و چه می گوید. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

دو رکعت نماز با توجّه، بهتر از شب زنده داری غافلانه است.(۵)

۲- عاشقانه باشد

ص: ۳

نمازی که از روی تنبلی، بیحالی و سستی باشد، اثر ندارد. نمازگزار باید محبت خدا رادر دل داشته باشد و با عشق و علاقه به خدایی که آن همه نعمت و رحمت عطا کرده، نماز بخواند و نماز را به شکرانه مهربانی های خدا، از روی علاقه و شوق انجام دهد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله، نماز را نور چشم خود می دانست.

آن حضرت فرموده است: کسی که صدای اذان را بشنود و بی تفاوت باشد، جفا کرده است.(۶)

شوق به عبادت و نماز باید چنان باشد که با شنیدن ندای نماز، هر کاری را رها کند و بسوی گفتگو با خدای جهان بشتابد.

۳- خالصانه باشد

به دستور قرآن، دین و کارهای دینی، باید خالص برای خدا باشد و نیّت و هدف غیر خدایی در آنها راه نیابد:

«و ما اُمروا الاّ لیعبدوا اللَّه مخلصین له الدین»(۷)

به آنان دستور داده شد که خدا را بندگی کنند و دین را برای او خالص نمایند.

ریاکاری، نوعی شرک است و کار را از ارزش می اندازد. خداوند هم نمازی را که برای غیر خدا، برای جلب توجّه دیگران و برای فریب مردم باشد، نمی پذیرد و به آن پاداش نمی دهد.

عبادت بدون اخلاص، همچون جسم بدون جان است. روح نماز خلوص آن است.

۴- خاشعانه باشد

بعضی در نماز، حواسشان پرت است، با سر و دست و لباس خود بازی می کنند، به این طرف و آن طرف و این و آن نگاه می کنند، هم نماز می خوانند و هم به حرف های دیگران گوش می دهند، آرامش بدنی و توجّه قلبی ندارند. اینها همه نشانه آنست که در نمازشان، خضوع و خشوع نیست.

خاشع بودن در نماز، آنست که نمازگزار، دلش با خدا و توجّهش به آفریدگار باشد، آرامش بدنی داشته باشد، و واقعاً خود را در برابر خدایی که از هر شخصیّت و مقامی برتر و از هر قدرتمندی تواناتر است، حسّ کند.

در حدیث آمده است: «اُعبد اللَّه کانّک تراه»(۸)

خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی!

که اگر این حالت را داشتید، به مرحله ای رسیده اید که خداوند از آنان به «مؤمنان رستگار» یاد می کند و یکی از صفاتشان را چنین می داند: «الذّین هم فی صلاتهم خاشعون»(۹)

آنان که در نمازشان، خشوع دارند.

بـا این اوصـافی که برای نمـاز خداپسـندانه گفته شـد، وقتی انسـان، نماز و نیایش پیامبران و امامان و انسان های پاک و والا را نگاه می کند و آن را با نماز خود مقایسه می نماید، از خود و نمازش شرمنده می شود.

کاش نمازی بخوانیم که خدا بپسندد و بپذیرد و اجر بزرگ برای آن عطا کند.

نماز را بایـد همیشه و مرتّب خوانـد، چرا که سـهل انگاری در امر نماز وبی اعتنایی کردن وگاهی خوانـدن و گاهی نخوانـدن، گناه است

ص: ۵

همچنانکه نبرد با دشمن و رویارویی با او در میدان جنگ، نیاز به تمرین های مقدّماتی و فراهم کردن آمادگی های لازم دارد، عبادت و نماز نیز که نوعی مبارزه با دشمن نفس و جنگ با شیطان در سنگر عبادت است، به این تمرین احتیاج دارد.

اگر قبلاً دل و جانتان را آماده انجام درست و همیشگی این عبادت سازنده نکرده باشید، هنگام واجب شدن آن، برایتان سخت و سنگین خواهد بود.

۳- قبولی نماز

آشنایی با نماز » قبولی نماز

نمازِ صحیح، یک مرحله است و نماز مقبول، مرحله ای بالاتر می باشد.

شما ممکن است خوب درس بخوانید، ولی قبولی آخر سال، مهمّ است.

ممکن است انسان همیشه نماز و عبادت های خود را بجا آورد، ولی بخاطر نقص و ضعف هایی که نماز او دارد، در پیشگاه خداوند، پذیرفته نشود.

ممکن است شاگردی نمره خوب هم بگیرد، ولی اخلاق و وضع او مورد رضایت خاطر آموزگار نباشد.

پس، ملاک در ارزش نماز، قبولی آن است. باید کوشید تا نمازی پسندیده به آستان خدا تحویل داد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«کونوا علی قبول العمل اشدّ عنایهٔ منکم علی العمل»(۱۰)

بیش از انجام عمل، به قبولی آن عنایت و توجّه داشته باشید.

قبولی عبادات، چه شرایطی دارد؟

۱- ایمان

اولین شرط قبولی نماز، ایمان و اعتقاد به خدا و دین اوست. اگر کسی عمری را به نماز و عبادات بگذراند ولی در دل، اعتقاد به آن نداشته باشد، نمازش مقبول نیست. نه تنها در مورد نماز، بلکه در مورد هر کار نیک دیگر هم، ایمان شرط است و اعمال کفّار که به خدا ایمان ندارند، بی ارزش و بی پاداش است.(۱۱)

۲- ولایت

کارهای عبادی را خداوند از کسی می پذیرد که نسبت به خدا و پیامبر و پیشوایان معصوم، حالت پذیرش، اطاعت، مودّت و محبت داشته باشد و آنان را پیشوای خود بشناسد و فرمانبردار آنان باشد. عبادت بی ولایت پذیرفته نیست.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«... من لم یتولّنا لم یرفع اللّه له عملاً»(۱۲)

هر کس ولایت ما را نداشته باشد و رهبری ما را نپذیرد، خداوند، هیچ عملی را از او، نمی پذیرد.

روشن است که دینداری دور از اهلبیت، و عبادت های بی اعتقاد به رهبری معصومان، چاره ساز نیست و گاهی هم به گمراهی کشیده می شود. ولایت، پذیرش رهبری صحیح است که در پیشوایان آسمانی و الهی مجسّم می شود.

۳- تقوا

تقوا، یعنی خداترسی و پرهیز از گناه. آنکه محرّمات را ترک نکند و بی تقوا باشد، عبادات او هم او را به جایی نمی رساند. آنکه دزدی کند و آن را به بیچارگان انفاق کند، یا آنکه جهاد کند ولی مال مردم را هم تصرّف کند، پاداشی از انفاق و جهاد نمی برد.

نماز هم به عنوان عبادت، وقتی در درگاه خدا پذیرفته می شود که همراه با تقوا باشد. خداوند، نماز انسان های معصیت کار و بی بند و بار را نمی پذیرد و فرموده است:

«انّما یتقبّل اللّه من المتّقین»(۱۳)

خداوند، فقط از اهل تقوا می پذیرد!

۴- مراعات حقوق دیگران

نماز، عبادتی است که باید انسان را به خدا نزدیک کند. اگر نمازگزار، با برخی کارها از خدا و رضای او دور شود، چگونه نماز می تواند وسیله قرب او به خدا شود؟

آنکه بدهکار است و مال مردم را نمی دهد،

آنکه باید خمس و زکات بپردازد ولی خودداری می کند،

آنکه مسلمانی را غیبت می کند یا تهمت می زند،

آنکه رابطه برادری را با یک مسلمان قطع می کند،

آنکه در دل، برای دیگران، نیّت بد دارد و دشمنی او را در دل پنهان می کند،

آنکه با دیگران، با اهل خانه، با پدر و مادر، بد اخلاقی و بد رفتاری می کند و مایه آزار و رنجش آنان می شود ...

ص: ۷

اینها همه کارهایی است که به نحوی، سبب تضییع حقوق دیگران و مایه دور شدن از خدا می گردد. کسی که اینگونه باشد، نمی تواند انتظار قبولی نمازش را از طرف خداوند داشته باشد.

نمازگزار، هم باید از راه نماز، پیوند خود را با خدا مستحکم و استوار کند، و هم رابطه دوستی و صمیمیّت و برادری خود را با مؤمنان و همنوعان نگسلد و حقوقشان را رعایت کند و به کسی ظلم ننماید.

در حدیث، از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است: آنکه زن خود را آزار برساند، یا زنی که شوهر خویش را اذیّت کند، خداوند نماز و کارهای نیک و حسنات آنان را قبول نمی کند.(۱۴)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس به پدر و مادر خود، از روی خشم و عصبانیّت نگاه کند، خداوند نماز او را نمی پذیرد، اگر چه پدر و مادرش، در حقّ او ناروا کرده باشند.(۱۵)

از کجا می توان فهمید که نمازهای ما مقبول درگاه خداوند است، یا مردود می باشد؟ در این باره حدیث جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«من احبّ ان یعلم اقبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر هل منعته صلاته عن الفحشاء والمنکر؟ فبقدر ما منعته قبلت منه»(۱۶)

هر کس می خواهد بداند آیا نمازش قبول شده یا نه، بنگرد که آیا نمازش، او را از گناهان و زشتی ها باز داشته یا نه؟ به هر قدر، که نمازش، او را از بدی ها بازداشته، به همان قدر، نمازش پذیرفته شده است!

بیائید سعی کنیم نمازمان، مکتب تربیت و سازندگی باشد و آن گونه که در نماز می گوئیم، خود را بنده خدا بدانیم و شرط بندگی را که «اطاعت از خدا» و «ترک گناه» است رعایت کنیم.

در این صورت است که از نماز، لذّت خواهیم برد و مناجات و سخن گفتن با خدا برایمان شیرین خواهد بود و از نماز خواندن، سیر و خسته نخواهیم گشت.

خدایا!

لذّت و شیرینی عبادت خود را به ما بچشان، و نمازهای ما را پذیرفته درگاه خویش بگردان!

* * *

برای یک مسلمان، هیچ لذّتی بالاتر از این نیست که خود را مجری امر خدا ببیند و در انجام تکالیف الهی بگوید:

خدایا! چون تو فرمودی، اطاعت کردم.

خدایا! چوت تو خواستی، به جا آوردم.

خدایا! چون تو مقرّر کردی، بی چون و چرا تسلیم شدم.

ص: ۸

این است مسلمانی: تسلیم شدن در برابر دستور خدا و تکلیف الهی.

امام صادق علیه السلام هنگام وفات فرمود: هر که نماز را کوچک بشمارد، از شفاعت ما محروم است.

علی علیه السلام، در میدان صفین، هنگام نماز، دست از جنگ کشید و به نماز ایستاد.

امام حسین علیه السلام، در میان تیرهای دشمن، به نماز ایستاد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله آنقدر نمازش را طول می داد، که پاهایش ورم می کرد.

حضرت علی علیه السلام در نماز، چنان غرق توجّه به خدا می شد که از هر چیز غیر از خدا غافل می شد.

کیفر آنان که نماز نخوانند، دوزخ است.

وای بر آنان که نماز را سبک می شمارند و نسبت به آن، سهل انگارند:

«فویل للمصلّین الّذین هم عن صلاتهم ساهون ...»(۱۸)

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَن ترک الصلاه متعمّداً فقد کفر»(۱)

هر کس به عمد، نماز را ترک کند، از مرز اسلام خارج شده و به کفر رسیده است.

آنکه نماز را سبک بشمرد، خداوند برکت و بهره را از عمر و مال او برمی دارد، پاداش کارهای او را از بین می برد، دعاهایش مستجاب نمی شود، هنگام مرگ، با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلّت از دنیا می رود، در عالم برزخ، شکنجه و عذاب می شود، و در قیامت، حساب سختی از او می کشند.(۲)

* * *

مناسب است در پایان این بخش، برخی از سخنان امام خمینی قدس سره را پیرامون نماز، یادآور شویم، که فرمود:

«دراسلام از نماز، هیچ فریضه ای بالاتر نیست... نماز، پشتوانه ملّت است... نماز، یک کارخانه انسان سازی است ... فحشاء و منکر را نماز، از یک امّتی بیرون می کند. مسجدها را خالی نکنید،

نماز، بالاترین ذکرهاست ... این دژهای محکم را محکم نگهدارید، نگویید که ما انقلاب کردیم حالا هی باید فریاد بزنیم، خیر، نماز بخوانید، از همه فریادها بالاتر است ...

شیطان ها از نماز می ترسند، از مسجد می ترسند ...»(۲۱)

۲۱) صحیفه نور، ج ۱۲ ص ۱۴۸ و ۱۴۹ .

ص: ۱۰

۱- ۱۹) محجه البیضاء، ج ۱ ص ۳۰۱.

۲- ۲۰) وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۴۳ .

۴- همراه با نماز

آشنایی با نماز » همراه با نماز

تاکنون، سخن از اصل نماز و اهمیّت آن و فوائد و آثارش بود.

اینک فرصتی است که به متن نماز بپردازیم و گوشه ای از اسرار و مفاهیم و درس های نهفته در نماز را مرور کنیم، تا از این راه، نمازهای مان روح تازه ای بیابد و از این عبادت بزرگ و روزانه، بهره بیشتری ببریم.

۵- مقدّمات نماز

آشنایی با نماز » مقدّمات نماز

در نماز، باید «طهارت» داشت و پاک بود. هم لباس و بدن را از آلودگی ها پاک ساخت و هم به نحوی که در کتاب های احکام بیان شده، وضو گرفت.

وضو، اذن ورود به نماز و زمینه روحی برای پرداختن به این عبادت است و بدون آن، نماز باطل است.(۲۲)

وضو جزء ایمان است، نورانیّت دل و توجّه معنوی می آورد و به فرموده امام رضا علیه السلام آنکه در مقابل پروردگار به عبادت می ایستد، باید از آلودگی ها پاک باشد، از سستی و بیحالی و کسل بودن دور باشد و با وضو، دل را برای ایستادن در مقابل خدای توانا پاک و آماده سازد.(۲۳)

با وضو بودن در هر حال، خوب است. حتّی خوابیدن با وضو، ثواب عبادت شبانه دارد و برای بسیاری از کارهای عبادی نیز، مثل دعا، زیارت، قرائت قرآن و مطالعه دستور داده اند که وضو داشته باشیم و بدون وضو به آیات قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان دست نزنیم.

البتّه غیر از پاکی ظاهریِ لباس و بدن و داشتن وضو، دل هم باید از نفاق و حسد و کینه پاک باشد و اندام و اعضا هم از جرائم و گناهان دیگر دور باشد.

راستی! ... اگر لباس و بدن پاک باشد، ولی روح، ناپاک، این نوعی نفاق نیست؟ پس باید هم در طهارت جسمی و ظاهری، و هم در پاکی درونی و قلبی کوشید، تا حضور در برابر اللّه، با ادب بیشتری باشد.

برای کسانی که «جُنب» باشند، «غُسل» واجب است، که به صورتِ خاصّی تمام بدن شسته می شود. و در صورت نبودن آب، یا ضرر داشتن آن، یا نداشتن فرصت برای وضو و غسل، باید «تیمّم» کرد.(۲۴)

نمازگزار، باید بدن خود را بپوشاند. و بهتر است که انسان لباسی تمیز، سفید، معطّر برای نماز انتخاب کند، چرا که به دیدار خدا می رود. شرط ادب، استفاده از بهترین لباس هاست.

لباس و مکان نمازگزار باید «مباح» باشد، یعن از مال مردم نباشد. نمازگزار، باید رو به کعبه و قبله مسـلمین بایستد، گرچه خدا در مکان خاصّی نیست، همه جا هست و در همه جا ناظر ماست، امّا

رو کردن به کعبه مقدس و حرم الهی، یادآور توحید ابراهیمی و سنّت های یکتاپرستانه و خلوص آن پدر و پسری است که کعبه را بنا نهادند.

قبله، جهت گیری توحیدی مسلمانان را نشان می دهد. نه تنها در نماز، بلکه در دعا، قربانی، نشستن، خوردن و خوابیدن، دفن کردن مردگان و ... باید قبله مراعات شود.

این درسی است که توجّه ما را در سراسر زندگی به خانه خدا، خانه محبوب و سرور و مولایمان معطوف می کند و میان صفوف مسلمانان، وحدت و نظم پدید می آورد.

ص: ۱۲

مسلمان خداپرست، با اذان، نام خدای بزرگ را، هر چه رساتر و آشکارتر در جهان طنین افکن می سازد. این بانگ ملکوتی و توحیدی است که کمر دشمنان را می شکند و مخالفان خدا و اسلام را به ستوه می آورد.

ص: ۱۳

پس بایـد به خـاطر خـدا کـار کرد و عبادت نمود، دلهاهم در دست خداونـد است، اوست که عزّت و آبرو و اعتبار و محبوبیّت می دهـد. مسلّم است که خداونـد هرگز بنـدگان شایسته و خـالص خویش را فراموش نمی کنـد و آنان را برتری و عظمت و محبوبیّت می بخشد.

پس، لازم است انگیزه عبادت و نمازمان تنها خدا باشد نه مردم و در خانه دل خود، جز خداوند، احدی را راه ندهیم و به پسند خدا و رضای او، بیشتر از پسند مردم ارزش بدهیم.

البتّه اخلاـص در عمل و نیّت، دشوار است و شیطان همواره می کوشـد تا با هر نیرنگ و وسوسه ای، انگیزه غیر خـدایی را در دل های ما پدید آورد. ولی ما در برنامه مبارزه با شیطان و جهاد با نفس، باید بکوشیم هر کار را برای خدا انجام دهیم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اخلص للّه علمک و عملک و بغضک و اخذک و ترکک و کلامک و صمتک»(۲۶)

کار و علم خود را، دشمنی و گرفتن و نگرفتن و سخن و سکوت خود را، برای خدا خالص کن.

اگر انسـان تمـام کارهـای خود را رنـگ خـدایی بدهـد، حتّی کارهـای غیر عبـادی هم عبـادت می شود، زیرا رنگ اخلاص و خدایی پیدا می کند.

نیّت، یعنی آنکه همه نماز، همیشه و همه جا برای خدا باشد، در غیر این صورت، باطل است.

حتّی اگر کسـی در مکان خاصّـی یا زمان خاصّی یا به حالت خاصّی که نماز می خواند برای غیر خدا باشد، باز هم عمل باطل است. مثل آنکه برای غیر خدا به مسـجد برود یا برای ریا و خودنمایی، نماز جماعت بخواند یا برای مردم، رکوع وسـجود خود را طول بدهد، اینها همه با «اخلاص در نیّت» ناسازگار است.

آنکه برای خـدا کار کنـد، نه خسـته می شود، نه ناامید می گردد، نه از بی توجّهی مردم ناراحت می شود، نه از تشویق نکردن دیگران افسـرده می گردد، و نه آفرین و احسن گفتن مردم برایش تـأثیری دارد. اخلاـص، نیرویی در انسان پدیـد می آورد که همه جا و همیشه او را به عمل خوب، تحریک می کند، بدون آنکه مأیوس و خسته و آزرده شود.

علی علیه السلام فرموده است:

«العمل کلّه هباء الّا ما اخلص فیه»(۲۷)

همه کارها نابود و پوچ می شود، جز آنکه در آن خلوص باشد.

از دو کار، که در ظاهر مثل هم هسـتند، آنکه نیّت و انگیزه درستی داشـته باشد، ارزشمند است. مثلاً چاقوکش و جرّاح، هر دو شکم پـاره می کننـد، ولی اوّلی را به زنـدان می برنـد و به دوّمی پـول می دهنـد و تشکّر می کننـد. چـون اوّلی برای کشـتن و

دشمنی شکم پاره می کند، دوّمی برای زنده کردن ونیکی ومحبّت نمودن!

پس، نیّت، خمیرمایه تمام عبادات است و به فرموده علی علیه السلام:

«النّیه اساس العمل»(۱)

۶- چگونه مخلص شویم؟

آشنایی با نماز » چگونه مخلص شویم؟

برای رسیدن به اخلاص، باید در بینش و اعتقاد و باورهای دینی دقت کرد. نوع بینش در نیّت انسان مؤثّر است.

اگر باور داشته باشیم که:

انسان، برترین مخلوقات و جانشین خدا در زمین و عصاره هستی و هدف آفرینش است،

طرف حساب ما در اعمالمان خداست، اوست که پاداش می دهد و حتّی کارهای جزئی را در صورت نیّت پاک، اجری بزرگ می دهد،

هیچ کار کوچک و بزرگی در حساب خدا گم نمی شود و انسان در دنیا و آخرت، نتیجه اعمال خود را خواهد دید،

خداوند، کارهای فاسد و عیوب ما را می پوشاند و خوبی های ما را آشکار می سازد،

ارزش و قیمت انسان، «بهشت» است و انسان غیر از بهشت، خود را به هر که بفروشد، ضرر کرده است، و بد تجارتی است که انسان، «دنیا» را بهای خود قرار دهد.(۲۹)

مشتری اعمال انسان خداوند است و در عبادات، انسان با خدا معامله می کند و با او طرف حساب است،

هر چه داریم از خداست، او «ولیّ نعمت» و صاحب اختیار و پروردگار مهربان ماست،

انسان در یک دل، محبّت دو امر متضادّ را نمی تواند داشته باشد،(۳۰) یا خدا دوستی یا دنیاطلبی، یا عشق به اللّه یا عشق به دنیا،

دنیا، شکوفه ای زودگذر است، غنچه ای است که برای کسی باز نشده و به کسی وفا نکرده است، و خداوند، دنیا را کالای غرور و متاعی اندک به حساب آورده است،

در قیامت، همه واسطه ها و شفیع ها از کار می افتند، تنها خلوص و عمل صالح و عبادات همراه با تقوا و اخلاص، سود می بخشد و در آن روز، هر کس به فکر خود است واز این وآن که در دنیا به محبّت هایشان دل می بندیم، کاری ساخته نیست و هر فردی نتیجه کار خود را می بیند ومحصول خویش را درو می کند،

نیّت، اساس کار است.

از دو نفری که مثـل هم و در کنـار هم ایسـتاده و نماز می خواننـد، نماز آن فرد با ارزش و مقبول است که نیّت بهتر و خـدایی داشته باشد، هر چند ظاهر عمل هر دو یکسان است.

ص: ۱۵

۱- ۲۸) فهرست غررالحکم، واژه نیّت.

ریاکاران، اگر در دنیا هم مردم را فریب دهند، ولی در آخرت رسوا خواهند شد و اعمال خود را بر باد رفته و تباه خواهند دید.

آری، اگر این باورها را در دل داشته باشیم، به خلوص نزدیک تر می شویم و کمتر برای غیر خدا کار می کنیم ونظر و پسند مردم، برای ما مهمّ نخواهد بود. محرّک و انگیزه قوی تر ما، این خواهد شد که خدا می خواهد و خدا می پسندد و خدا پاداش می دهد.

اگر ما خدا را نمی بینیم، او که ما را می بیند.

اگر عذابی هم در کار نباشد، بخاطر نعمت های او، باید شکرگزار باشیم و خالصانه عبادت کنیم و از نافرمانی بپرهیزیم. عالم، محضر خداست، در محضر خدا نباید گناه کرد.

جهان، سفره گسترده نعمت های الهی برای ماست، رو به دیگران کردن و ریا و تظاهر نمودن، ناسپاسی در برابر خدای رحمان و نعمت های بی پایان اوست. عبادت را، حتّی نه برای رسیدن به بهشت یا ترس از جهنم، بلکه بخاطر آنکه خداوند، شایسته پرستش است، باید انجام داد، و اینگونه پرستش، «عبادت آزادگان» است که امیرالمؤمنین، خدا را اینگونه عبادت می کرده است.

کسی به مقام اخلاص می رسد که به مرحله یقین رسیده باشد. و به تعبیر حضرت علی علیه السلام اخلاص، میوه یقین است:

«الاخلاص ثمره الیقین»(۳۱)

اگر یقین داشته باشیم که در محضر خدائیم و او همه کارهای ما را می بیند و از نیّت های قلبی ما آگاه است و هر گونه عزّت و ذلّت به دست اوست، و رضای او در مقابل دنیای زودگذر، ارزش بیشتری دارد، ... بیشتر و سریعتر به اخلاص می رسیم و دیگر از دیگران، توقّع تعریف و ستایش و چشمداشت تقدیر و تشکّر نداریم.

آن گونه که خانواده امیرالمؤمنین، به خاطر خدا سه روز، افطار خود را به یتیم و اسیر و مسکین بخشیدند، بی آنکه امید سپاس و توقّع تشکّر داشته باشند،(۳۲) خداوند هم به پاس انفاق و اطعام مخلصانه آنان، سوره «هل اتی ...» را نازل کرد و از آن اهلبیت، تجلیل نمود.

انسان مخلص، در راه انجام وظیفه، با تعریف یا انتقاد مردم، کند یا تند نمی شود.

بی توجهی مردم، او را دلسرد و پشیمان از کار نیک نمی سازد.

هر کار را بخاطر ادای تکلیف شرعی انجام می هد،

به خاطر نظر این و آن، برنامه هایش را متفاوت نمی سازد.

مال و مقام، مانع او از اجرای فرمان خدا نمی شود، ظاهر و باطنش یکی است.

در راه خدا و دین، ملامت ها و بی مهری ها را تحمّل می کند.

از تعصّب و خودخواهی به دور است،

به کارهای اشتباه، اصرار نمی کند و ادامه نمی دهد.

ص: ۱۶

مطیع «تکلیف» است، نه مجری دلخواه خود یا پسند مردم!

ص: ۱۷

پیش از هر رکوع و سجود، در هر جای نماز، حتّی پس از سلام نماز نیز این شعار را بر زبان می آوریم.

آنکه در تکبیرش، لذّت و شیرینی عبادت را احساس کند، باید بداند که نمازش مورد قبول واقع شده است.

هنگام گفتن اللّه اکبر، و بلند کردن دست تا کنار گوش، باید رو به خدا کرد و پشت به هر چه جز خداست. و این حالت را در سراسر نماز، در خود زنده نگهداشت.

چه دروغ آشکاری است، اینکه انسان به زبان «اللّه اکبر» بگوید، ولی در دلش، چیزهای دیگر مهمتر و بزرگتر باشد، همچون دنیا، ثروت، شهرت، مقام، شکم، شهوت، دوست، خویشاوند، خانه، موتور و ماشین و ...

آنکه «اللّه اکبر» می گوید، باید حاضر باشد که غیر خدا را فدای خدا کند، حتّی جانش را!

راستی که «اللّه اکبر»، سخن بزرگ و کلام ژرف و عمیقی است. و رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره آن فرموده است:

«اللّه اکبر، فهی کلمه لیس اعلاها کلام و احبّها الی اللّه ...»(۱)

۷- سوره حمد

آشنایی با نماز » سوره حمد

نماز را پس از تکبیر، با خواندن سوره حمد، و سپس سوره ای دیگر، مثل «قل هواللّه احد» ادامه می دهیم.

شروع سوره، با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» است.

با نام خدا و یاد او، که بخشنده و مهربان است، آغاز می کنیم.

بسم اللّه، رمز توجه به خدا و استمداد از اوست.

بسم اللّه، آغاز هر کاری است که بخواهد به نتیجه برسد.

بسم اللّه، شیطان را می راند، دل را به یاد خدا می اندازد، نشانه بندگی و وابستگی انسان به خداوند، و مظهر عشق و توکّل به اوست.

هر کس، در هر مرام و مکتبی، به نام هر که و هر چه شروع کند، مسلمان، همه کارهایش، از جمله نماز را با نام خدا آغاز می کند، که بهترین نام هاست.

اللّه اکبر، کلمه ای است که برتر از آن و محبوب تر از آن نزد خداوند، کلامی نیست!

۱- ۳۳) اختصاص، شیخ مفید، ص ۳۴.

ای نام تو بهترین سرآغاز

بی نام تو، نامه کی کنم باز؟ سپس می گوییم: «الحمد للّه ربّ العالمین»

همه ستایش ها مخصوص خداوند است، چرا که همه نعمت ها و رحمت ها از اوست.

مگر می توان نعمت های او را برشمرد؟ هرگز!

در قرآن می خوانیم:

«و ان تعدّوا نعمهاللّه لا تحصوها»(۳۴)

هرگز نمی توانید نعمت های خدا را بشمارید.

آن گونه که ماهی در آب، قدر آب را نمی داند، ما نیز از لحظه آغاز حیاتمان تا واپسین لحظه ها غرق نعمت های خدائیم و افسوس که از آنها غافلیم.

هوش و استعدادی که از آن برخورداریم، سلامتی بدن و تندرستی، عقل و وجدان،

آب و گیاهان و میوه ها و حیوانات که در اختیار ماست،

ابر و باد و مه و خورشید و فلك ... که همه برای انسان در حرکت است،

رفت و آمد شب و روز، دریا با نعمت هایش، زمین با حبوباتش، آسمان با ستارگان و خورشیدش، چشمی که با آن می بینیم، زبانی که سخن می گوئیم، گوشی که صداها را می شنویم، حافظه ای که مطالب را به خاطر می سپاریم، هماهنگی دستگاه های بدن، و ... هزاران و هزاران نعمت، که واقعاً «بی شمار» است، ما را احاطه کرده، و زندگی ما، بسته به آن است.

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش به درآید پس او را می ستائیم و همه حمدها را از آنِ او و مخصوص او می دانیم:

«الحمدللّه ربّ العالمین».

او که پروردگار جهانیان است، بخشنده و مهربان است، روزی رسان همه است، فرمانروای روز قیامت است.

از او هدایت می طلبیم و می خواهیم که ما را به «صراط مستقیم» راهنمایی کند.

راه مستقیم، راه خدا و دین است.

راه پیامبران و امامان و صالحان است.

راه شهیدان و اولیاء خداست.

راه تقوا، پاکی، عدالت، نیکی، بندگی، حقّ پرستی، اطاعت از خدا، دوری از گناه و ترس از دوزخ است.

از او می خواهیم که ما را به راه نیکان و صالحان، که دور از انحراف و گمراهی و معصیت و هوای نفس و فساد آفرینی و تبهکاری است، هدایت کند و در این راه، ما را استوار بدارد.

در سوره توحید نیز، خدا را به یکتائی و بی نیازی و بی فرزندی و بی همتایی می ستائیم.

ص: ۱۹

در رکوع و سجود، همراه ستایش خداوند، او را از هر عیب و نقص و ظلم و حقّ کشی و تبعیض و جهل و هر صفت مادی و انسانی و محدود کننده، پاک و مبرّا می دانیم.

تسبیح ما، شعار تقدیس و پاک دانستن خداوند است: «سبحان ربّی العظیم و بحمده»، «سبحان ربّی الاعلی و بحمده»

ص: ۲۰

«ايّاک نعبد و ايّاک نستعين»

ما چه می خواهيم که تو نداری؟

ما چه نياز داشته ايم که نداده ای؟

کدام دام و خطر و ضرر بوده که ما را از آن برحذر نداشته ای؟

کدام نيکی و سعادت و رستگاری است که ما را به آن دعوت نکرده ای؟

ای کانون همه خوبی ها!

ای سرچشمه همه پاکی ها!

توفيقمان ده، که بنده شايسته ای برای تو، ای خدای شايسته و بی همتا باشيم و از وسوسه ها و گناهان، که در واقع، بيراهه است، دوری کنيم.

خدايا! ...

وقتی در برابرت به خاک می افتيم، يعنی ما از خاکيم و خاک خواهيم شد و چون سر از سجده بر می داريم، يعنی پس از مرگ، دوباره بر می خيزيم، تا حساب اعمالمان را پس بدهيم.

سجود، روح فروتنی و عبوديّت را در ما زنده می کند.

حالتی است معنوی که تو بيش از هر حالتی آن را می پسندی.

دوست داری که بندگان خطاکاری چون ما، چهره بر خاک بگذاريم و تو را صدا بزنيم و «يارِبّ، يارِبّ» بگوئيم، تو جوابمان بدهی، و ببخشايی.

تشهّد ما، شهادت به يگانگی خدا و رسالت پيامبر است.

سلام ما در پايان نماز، درود به رسول خدا و پاکان و صالحان و فرشتگان و همه مؤمنان است.

خدايا!...

ای خدای رحيم! نمازمان را قبول کن و ما را بنده ای قرار بده که حقّ تو را بشناسيم و در اطاعت فرمانت بکوشيم.

روح نماز، «حضور قلب» است و نماز بی توجّه و حضور قلب، تنها یک سری الفاظ و حرکاتی است که انجام می گیرد.

حضور قلب آنست که انسان در نماز، توجه قلبی به خدا داشته باشد و از یاد او غافل نشود و هر لحظه و در تمام جملات و حرکات نماز، بداند چه می گوید، چه می خواهد، معنی حرکات و افعالش چیست، رو به چه کسی ایستاده، قبله اش کجاست، چرا نماز می خواند و در برابر چه خدای عظیمی به نیایش و پرستش و حمد و ثنا و ذکر و دعا ایستاده است.

اگر ذهن انسان به مسائل دیگر مشغول باشد،

اگر حواس انسان پرت شود،

اگر هر صدایی، هر منظره ای، هر رفت و آمدی، هر نوشته و خط و نقاشی و صحنه ای، او را به خود مشغول کند و یادش رود که در حال نماز است و کجا ایستاده و چه می گوید، معنای این نداشتن حضور قلب است.

یکی از راه های کسب حضور قلب، دانستن معنای نماز و در نظر آوردن ترجمه کلماتی است که انسان در نماز می گوید.

راه دیگر، انتخاب مکانی برای نماز است که رفت و آمدها و سر و صداها، صحبت ها، عکس ها و تابلوها، او را به خود مشغول نسازد.

راه دیگر، انجام مستحباتی است که پیش از نماز و هنگام نماز، رعایت آنها به نمازگزار حالت توجّه بیشتری می دهد و او را به یاد خدا و بندگی خویش می اندازد.

وقتی به ملاقات یک شخصیّت برجسته می روید، بهترین لباس را می پوشید و مؤدّب در نزد او می ایستید و یا می نشینید و از هر کاری که برخلاف ادب باشد، پرهیز می کنید، به سخنان او کاملاً گوش می دهید و به آنچه خودتان می گوئید، کاملاً توجّه دارید و در سراسر لحظه دیدار، آن شخص در نظرتان است.

خدا برترین موجود است و هستی همه موجودات به او بستگی دارد. ما، بنده ای نیازمند و ناتوان، که از نعمت های او برخورداریم، به شکرانه نعمتهایش به عبادت و نماز می ایستیم.

توجّه به این «جایگاه» که ما در مقابل «اللّه» داریم، دل را نرم می کند، خضوع و خشوع و فروتنی می آورد.

نماز، «ذکر خدا» است. هر چه بیشتر دلمان حاضر و قلبمان متوجّه عظمت خدا و نیاز خودمان باشد، نمازمان سازنده تر است.

به یاد داشته باشیم، که رکوع، خم شدن در مقابل عظمت آفریدگار است.

سجده ما، هماهنگی با همه هستی است که در پیشگاه خدا تسلیم و خاضع و مطیع اند.

تسبیح ما، هم صدایی با همه ذرات عالم است که خدا را تسبیح می گویند و سجده می کنند.

تسبیح گوی او نه بنی آدم است و بس

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

نه تنها ما که همه جهان، به زبان خاصّ خود، خدا را تقدیس و تسبیح می کنند و وجود هر یک نشانه یکتائی، حکمت و قدرت اوست.

هر گیاهی که از زمین روید

«وحده لا شریک له» گوید حضور قلب، جان نماز است.

بکوشیم که در عبادتمان، هنگام نماز، جز به خدا نیندیشیم، و حواسمان و فکر و دلمان را جای دیگری نبریم.

هم به لطفش امیدوار باشیم. و هم از عذابش، هراسان. بین حالت بیم و امید (خوف و رجاء) باشیم.

۸- نماز اولیاء خدا

آشنایی با نماز » نماز اولیاء خدا

سرمشق ما در زندگی، در معاشرت، در جهاد و در عبادت، پیشوایان معصومند.

نماز آنان نیز برای ما الگو است.

هر چه انسان خداشناس تر باشد، عبادتش عمق بیشتر داشته و عاشقانه تر و عارفانه تر خواهد بود.

پیامبران و اولیاء خدا، بخاطر عشقی که به خدا داشتند، بیش از همه عبادت می کردند. همواره به یاد خدا بودند، سجده های طولانی، رکوع هایی مستمر، نماز شب هایی همراه با گریه و دعاهایی از دل برخاسته داشتند.

دلیل آنکه حضرت ابراهیم به مقام «دوستی خدا» رسید و «خلیل اللّه» شد، سجده های طولانی او بود.(۳۷)

حضرت موسی، پس از هر نماز، سمت راست و چپ صورت خود را بر خاک می نهاد.(۳۸)

امام کاظم علیه السلام بعد از نماز صبح، سر به سجده می گذاشت و تا پاسی از روز، در حال سجده بود.(۳۹)

ص: ۲۳

امام سجاد علیه السلام در سجده به قدری نام خدا را تکرار می کرد و سجده را طول می داد که وقتی سر بلند می کرد، بدنش خیس عرق بود.(۴۰) به آن حضرت از آن جهت «سجّاد» گفته اند که سجده هایی طولانی داشت و آثار سجده در پیشانی و مواضع سجودش آشکار بود.(۴۱)

حضرت علی علیه السلام آن قدر رکوع طولانی داشت که عرق، از ساق پای او جاری می شد.(۴۲)

پیامبر خدا، شیفته نماز بود و چنان دلبسته به آن بود که برای رسیدن وقت نماز، لحظه شماری می کرد و چون وقتش می رسید، چنان بود که گویا کسی را نمی شناسد، و به نماز می شتافت.(۴۳)

آن حضرت می فرمود:

خداوند، نور چشم مرا در نماز قرار داده و آن را در نظرم محبوب ساخته است. انسان گرسنه و تشنه وقتی آب و غذا می خورند، سیر و سیراب می شوند ولی من هرگز از نماز، سیر نمی شوم.(۴۴)

وقتی آن حضرت نماز می خواند، دلش لرزان و هراسناک بود و از خوف خدا می لرزید.(۴۵)

رسول خدا، بخش عمده ای از شب را به عبادت می گذراند.

حضرت علی علیه السلام در نماز، از خود بیخود می شد و رنگ از چهره اش می پرید.

پیامبر صلی الله علیه وآله می فرمود: من بهشت را برای شما ضمانت می کنم، به شرط آنکه مرا با سجده های طولانی یاری نمائید.(۴۶)

قرآن، سیمای یاران حضرت محمد صلی الله علیه وآله را چنین بیان می کند:

«تراهم رکّعاً سجّداً یبتغون فضلًا من اللّه و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود»(۴۷)

همراهان پیامبر را می بینی که اهل رکوع و سجودند، رحمت و رضای خدا را می طلبند، و اثر سجود بر سیمایشان آشکار است.

امام صادق علیه السلام جز بر خاک مزار امام حسین علیه السلام سجده نمی کرد، و می فرمود: سجده بر تربت حسین علیه السلام نورانیّتی دارد که همه پرده های مانع را پاره می کند.(۴۸)

روشن است که سجده بر تربت سیدالشهداء، الهام دهنده فداکاری در راه دین و جهاد و شهادت در راه خدا است و نمازگزار را با فرهنگ شهادت و مبارزه که در کربلا جلوه کرد، آشنا می سازد.

درباره نماز اولیاء خدا و انسان های والا، نمونه بسیار است که در این خلاصه نمی گنجد.

امید است که حالات معنوی آن پیشوایان، سرمشق ما باشد.

آشنایی با نماز » پایان نماز

پس از نگاهی گذرا و سریع به نماز، به مراحل پایانی آن می رسیم.

پس از آخرین سجده، دو زانو نشسته و با تشهّد، به رسالت و عبودیّت پیامبر و یکتایی خدا شهادت می دهیم. بر آن حضرت درود می فرستیم و سلام می گوئیم.

سلام به بندگان شایسته خدا، به فرشتگان الهی و به هر کس که شایسته سلام باشد.

سلام های نماز ما، پیوندی است با رسول خدا و مؤمنان راستین، پیمانی است با پاکی ها و راستی ها و پاکان و صادقان.

پیوند با رسول اللّه و دودمان پاك او را همواره تکرار می کنیم، حتّی در تشهّد نماز. دین بدون ارتباط با اهلبیت، ناقص است و نماز بدون درود بر آنان، باطل می باشد. این اهمیّت پذیری رهبری صحیح را می رساند. شهادت ما به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وآله و درود فرستادن بر امامان از اهلبیت او، بیعتی با خط صحیح رهبری در مسیر خدا و قرآن است.

حضرت رسول، سلام ما را می شنود و پاسخ می دهد، هر چند ما آن را درک نکنیم، و چه موهبتی بالاتر از این، که ما به برترین انسان عالم، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه وآله سلام دهیم، و او سلام ما را جواب دهد!

سلام نماز ما، اظهار ادب به پیشگاه آن حضرت و قدردانی از زحماتی است که برای هدایت ما کشیده است.

ص: ۲۵

۹- تعقیباتِ نماز

آشنایی با نماز » تعقیباتِ نماز

نمـاز که پایـان یافت، خوب است انسان به دعا و نیایش و امور دیگری بپردازد که مکمّل نماز است، و فوری برنخیزد و نماز را رها نکند. این برنامه های مستحبی پس از نماز را «تعقیبات» می گویند.

در کتـاب هـای دعـا، برای هر نمـازی دعاهـا و تعقیب هـای خاصّـِی بیـان شـده، و نیز تعقیبـاتی که میـان همه نمازهـا مشـترک است.(۱)

۱۰- نماز جمعه و جماعت

آشنایی با نماز » نماز جمعه و جماعت

اصل نماز واجب است و به جماعت خوانـدن آن، مسـتحب می باشـد وبسـیار به آن سـفارش شده است. به جز نمازهای واجب روزانـه، نمازهـای مسـتحبی هم وجـود دارد که در شب و روز خوانـده می شـود و به «نـافله» مشـهور است، نمازهـای مسـتحب دیگری هم در ایّام و مناسبت های مختلف تأکید شده است.

خوانـدن قرآن پس از نماز، اسـتغفار کردن، صـلوات فرسـتادن، دعاهای مختلف خواندن، از خداوند حاجت طلبیدن، تسبیحات حضرت زهراعلیها السلام، سجده شکر و ... جزء تعقیبات به حساب می آید.

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام که زیاد به آن سفارش شده، آنست که پس از هر نماز، **۳۴** مرتبه اللَّه اکبر، **۳۳** مرتبه الحمدللَّه و **۳۳** مرتبـه سـبحان اللَّه گفتـه شـود. ایـن ذکر را که ثـواب بسـیاری دارد، رسـول خداصـلی الله علیه وآله به دختـر گرامی اش حضرت فاطمه علیها السلام یاد داد. از این جهت به تسبیحات حضرت زهرا مشهور است.

کسـی که شـیفته نمـاز و دوسـتدار خـداست، پس از نمـاز، این رابطه را فوری قطع نمی کنـد و همچنـان به دعـا و مناجـات می پردازد.

«سـجده شـکر» یکی دیگر از این تعقیبـات است. سـر بر سـجده نهـادن، الحمـدللَّه و شـکراًللَّه گفتن، العفو گفتن، یـارب، یارب گفتن، از خدا مغفرت خواستن، از نعمت هایش سپاسگزاری کردن. این نیز ادب و معرفت نمازگزار را می رساند.

البتّه سـجده شکر، یک نمونه از سپاس نعمت هاست، وگرنه به شکل های مختلف می توان سپاسگزار نعمت های خدا بود. که دوری از گناه، از بهترین نمونه های شکر است.

۱- ۴۹) به مفاتیح الجنان رجوع کنید.

عشق به عبادت، باید انسان موحّد و خداجوی را به نمازهای مستحب و نافله و نماز شب بکشاند و تنها به واجبات، اکتفا نکند.

پاداشی که برای نماز جماعت است، به توصیف نمی آید. آن هم حضور در جماعت مسلمین در مسجد که خانه خداست.

نماز جمعه، که هفته ای یکبار برگزار می شود، غیر از جنبه عبادی و پرستش، جنبه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هم دارد و صفوف مسلمانان را متّحد و توطئه های تفرقه افکنان را خنثی و تبلیغات سوء دشمنان را بی اثر می کند.

نماز جمعه و جماعت، رمز شکوه و عظمت مسلمین است.

نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و نیازها و مشکلات، و همکاری برای حلّ مسائل مسلمین است.

نماز جماعت، هر چند کوتاه و با تأخیر خوانده شود، به مراتب از نماز به تنهایی، هر چند طولانی و در اوّل وقت باشد، ثواب و ارزش بیشتری دارد.

در صفوف جمعه و جماعت، همه همدل و هماهنگ و در کنار هم متّحد می شوند.

خودخواهی ها و خودمحوری ها در «جمع»، ذوب می شود.

رحمت خداوند نیز به جمع مؤمنان، بیشتر شامل می گردد.

در حدیث آمده است: هر که ندای نماز جماعت را بشنود ولی به آن اعتنا نکند، نمازش بی ارزش است.(۱)

شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از نفاق و دورویی بیمه می کند.(۲)

۱۱- سخن آخر ...

آشنایی با نماز » سخن آخر ...

به پایان جزوه رسیدیم.

ولی ... در آغاز راهیم.

۱- ۵۰) وسائل، ج ۵ ص ۳۷۵ .

۲- ۵۱) من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۷۷ .

راه انسان شدن، کمال یافتن، بندگی کردن، مسلمان زیستن، خدا را بر خود سرپرست و حاکم دانستن و خدا را خالصانه پرستیدن.

نماز، انس ما با پروردگارماست، آن را سست نگیریم.

نماز، سخن گفتن «بنده» با «خالق» است، آن را دوست بداریم.

نماز، غذای روح ماست، فراموشش نکنیم.

حضور قلب و توجّه، روح و جان نماز ماست، در نماز خدا را به یاد داشته باشیم.

نماز، بازدارنده از فحشاء و منکر است، بیشتر از آن بهره بجوئیم.

نماز، برترین عبادت، مهمترین فریضه و عاشقانه ترین نیایش و پرستش یک انسان با معبود خویش است، آن را یکی از اساسی ترین «کار»های خود بدانیم.

بدون نماز، روح خسته می شود، امیدها سست می گردد و دل و جان انسان، بی نشاط و فرسوده می شود.

... اگر تاکنون نسبت به نماز، کوتاهی و سستی کرده ایم، راه حیران و توبه باز است، تصمیم بگیریم، «امّت محمّد»، «شیعه علی»، «پیرو حسین» و «منتظر امام زمان» باشیم. این پیشوایان، رسالت و جهاد و شهادت و غیبتشان، برای احیای دین و پیوند انسان ها با خدا است.

«نماز» را جدّی بگیریم ... انشاءاللّه

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹